

فصلنامه ی علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
سال دوم - شماره چهارم - تابستان ۸۸
صص ۳۰-۱۷

بررسی رابطه ی سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

دوره ی متوسطه در درس زبان انگلیسی شهر شیراز

یحیی صفری^۱ و آذر بذرافشان^{۲*}

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه ی سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه در درس زبان انگلیسی شهر شیراز پرداخته است. روش انجام پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی می باشد. جامعه ی آماری در این پژوهش شامل تمامی دانش آموزان دختر و پسر پایه های اول، دوم و سوم دوره ی متوسطه شهر شیراز که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در مدارس این شهر مشغول به تحصیل بودند، به تعداد ۲۷۰۰۰ نفر می باشد. نمونه ی پژوهش را ۳۹۲ نفر از دانش آموزان رشته های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی و فیزیک پایه های اول، دوم و سوم دوره متوسطه ناحیه ی ۲ شیراز بودند که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای مرحله ای انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه ی سبک یادگیری هانی و مامفورت و آزمون پیشرفت تحصیلی بود و برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی، میانگین و فراوانی درصدی و از آمار استنباطی رگرسیون چند متغیره، تحلیل واریانس یک راهه و آزمون t مستقل استفاده شد. یافته ها نشان داد که:

- بین سبک های یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه ای معنا دار وجود ندارد.
- بین سبک های یادگیری و رشته های گوناگون تحصیلی، تفاوت معنی دار آماری وجود دارد.
- بین سبک های یادگیری دختران و پسران تفاوت معنا دار وجود ندارد.

۱ - استادیار دانشکده ی مدیریت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

۲ - کارشناس ارشد.

- بین سبک های یادگیری (عمل گرا، اندیشه گرا) پایه های دوم و سوم تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین سبک های یادگیری فعالیت گرا و نظریه پرداز در پایه های تحصیلی دوم و سوم تفاوت وجود دارد.

واژه های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، سبک های یادگیری، زبان انگلیسی.

مقدمه

یکی از موضوع هایی که در جوامع امروزی در پژوهش های آموزشی مورد توجه بسیار قرار گرفته، این است که دانش آموزان چگونه به یادگیری مطالب بپردازند. دنیای کنونی چنان در حال پیشرفت و توسعه است که پژوهشگران و متخصصان آموزشی را بر آن داشته تا راههایی بیابند که به وسیله ی آنان بتوان سرعت یادگیری را با سرعت پیشرفت هم گام کرد. انسان از راه یادگیری رشد می یابد و به توانایی های خود فعلیت می بخشد (خنک جان، ۱۳۸۱).

در واقع یادگیری از عامل های مهم در خصوص پیشرفت است. بشر موفقیت های خود را در سایه ی یادگیری بدست می آورد. عامل های بسیاری بر یادگیری مؤثرند که از جمله ی آن ها می توان به سبک یادگیری^۱ افراد اشاره کرد (حسینی لرگانی، سیف، ۱۳۸۰). به باور کلب^۲ (۱۹۸۴)، سبک شیوه ای است برای یادگیری، شناخت و تفکر، سبک با توانایی فراگیر برابر نیست بلکه روشی است که به وسیله ی آن می توان توانایی های خود را بکار برد. همان گونه که توانایی فرد برای موفقیت در زندگی بسیار مهم است، شناخت سبک های یادگیری نیز دارای اهمیت است. به سخن دیگر، سبک های یادگیری ترجیحات فرد هستند نه توانایی های او. از آنجا که افراد دارای سبک های گوناگون یادگیری هستند و این روش ها بر پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می گذارد، مربیان و معلمان نیز باید با انواع و چگونگی سبک ها آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند دانش آموزان را به سمت یادگیری بهتر رهنمون باشند (سیف، ۱۳۸۴). می توان با اطمینان بیان کرد که هرکس به گونه ای در یادگیری متفاوت عمل می کند و هیچ دو دانش آموزی نیستند که به یک اندازه در خصوصیات و ترجیحات برابر باشند. زمانی که آن ها رشد می کنند با تجربه هایی سر و کار پیدا می کنند که با تجربه ی دانش آموزان دیگر متفاوت است، بنابراین اگر بخواهیم با فراگیران رفتاری موفقیت آمیز داشته باشیم، باید تفاوت های فردی را در نظر بگیریم زیرا

¹ - Learning style

² - Kolb

تفاوت های فردی در یادگیری پدیده ای معمولی و مهم بشمار می رود. توجه مربیان و معلمان به تفاوت های فردی فراگیران، در امر یادگیری بسیار دارای اهمیت است (لیونوردرویل^۱، ۱۳۷۵). سبک های یادگیری دارای انواع گوناگونی هستند که روی هم رفته می توان آن ها را به سه دسته سبک های یادگیری شناختی^۲، عاطفی^۳ و فیزیولوژیکی^۴ تقسیم کرد. سبک های یادگیری شناختی، راههایی که شخص می اندیشد و به جهان می نگرد تعریف شده است (سریواستاو^۵، به نقل از سیف، ۱۳۸۴). این سبک ها تقسیم بندی های گوناگونی دارند که از جمله می توان به تقسیم بندی کلب اشاره کرد. کلب (۱۹۸۴) این سبک ها را به چهار نوع جذب کننده^۶، همگرا^۷، واگرا^۸ و انطباق یابنده^۹ تقسیم کرد و هانی و مامفورت^{۱۰} این سبک ها را اصلاح کرده و آن ها را به سبک های اندیشه گرا^{۱۱}، عملگرا^{۱۲}، فعالیت گرا^{۱۳} و نظریه پرداز^{۱۴} تبدیل کردند (واکینز و همکاران، ۱۳۸۵).

با توجه به پیشرفت های بالا و نتایج پژوهش های دیگری که در زمینه ی سبک های یادگیری انجام گرفته، همچنین تأثیر روش یادگیری بر پیشرفت تحصیلی، در این پژوهش ارتباط روش های یادگیری، رشته ی تحصیلی، پایه و پیشرفت تحصیلی فراگیران در درس زبان انگلیسی مورد بررسی قرار می گیرد زیرا زبان انگلیسی بعنوان زبان دوم و زبان بین المللی بخشی از برنامه ی درسی مدارس بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران است و پیشرفت دانش آموزان در این درس دغدغه ای برای مربیان و معلمان این درس می باشد. متخصصان تعلیم و تربیت همواره برآنند تا راهی یابند که بتوان دانش آموزان را به هدف اصلی یادگیری زبان انگلیسی که کاربرد آن در سطح گسترده است، برسانند. شمشادی (۱۳۸۱)، بر این ادعاست که فراگیرانی که از سبک های ویژه

1 -Leonore Derville

2 -Cognitive

3 -Affective

4 -Physiological

5 -Srivastava

6 -Assimiated

7 -Convergent

8 -Divergent

9 -Accommodated

10 -Honey and Momfort

11 -Reflector

12 -Pragmatist

13 -Activist

14 -Theorist

متناسب با مطالب، تکالیف، هدف‌ها، نیازها، علایق و سطح یادگیری خود استفاده می‌کنند، در یادگیری زبان موفق‌ترند.

این پژوهش بر روی سبک‌های اخیر (اندیشه‌گرا، عملگرا، فعالیت‌گرا و نظریه‌پرداز) انجام شده است که دارندگان این سبک‌ها هر کدام ویژگی‌های خود را دارند.

فراگیرانی که دارای سبک یادگیری اندیشه‌گرا هستند، تجربیات را مورد آزمایش قرار می‌دهند و از زوایای گوناگون آن‌ها را مشاهده می‌کنند و داده‌های متفاوتی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کنند. نقطه‌ی قوت این افراد در جمع‌آوری داده‌ها با دقت زیاد و تحلیل آن برای رسیدن به نتیجه است (واکینز و همکاران، ۱۳۸۴).

فراگیرانی که دارای سبک عملگرا هستند، نظریه‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهند که کاربرد علمی داشته باشند، نظریه‌های جدید را جستجو می‌کنند و در نخستین فرصت آن‌ها را به گونه‌ی عملی مورد آزمایش قرار می‌دهند. فراگیران دارای این سبک در بحث‌های فکری ناشکیبا هستند. معیار اصلی این افراد برای قضاوت در مورد یک نظریه نتیجه عملی ناشی از آن است (واکینز و همکاران، ۱۳۸۴).

فراگیرانی که دارای این نوع سبک یادگیری (فعالیت‌گرا) هستند، خود را با تجربیات جدید درگیر می‌کنند، بی‌تعصب هستند، جهت‌گیری آنان درباره‌ی موج، بدیع و تازه است، به وسیله بارش مغزی از عهده‌ی هر چیز بر می‌آیند و بر این باورند که باید برای هر چیز تلاش کنند. نقطه‌ی قوت این افراد، پذیرش فکری و شور و شوق آنهاست (واکینز و همکاران، ۱۳۸۴).

فراگیران دارای سبک یادگیری نظریه‌پرداز فرضیه‌ها، اصول، نظریه‌ها، الگوها و تفکرات سیستمی پایه‌ای و اساسی را جستجو می‌کنند و دارای منطق با ارزش هستند. نقطه‌ی قوت این افراد این است که در تلاش برای حل یک مسئله از رویکرد گام به گام استفاده می‌کنند (واکینز و همکاران، ۱۳۸۴).

پیشینه‌ی پژوهش

در راستای سبک‌های یادگیری فراگیران و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی پژوهش‌های زیادی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که از این پژوهش‌ها تعداد معدودی در راستای تاثیر این سبک‌ها بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی می‌باشد. دالی و بیلی^۱ (۱۹۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که پیشرفت تحصیلی بعنوان یک عامل شناختی

¹ -Daley and Baily

بهترین پیش بینی کننده ی پیشرفت در زبان خارجی است. کلی^۱ (۱۹۹۷) پژوهش در مورد رابطه ی بین سبک های یادگیری و یادگیری زبان انگلیسی انجام داد و یافته ها نشان داد هنگامی که معلمان زبان انگلیسی از سبک های دانش آموزان در کلاس آگاهی داشته باشند، می توانند مطالب را در کلاس به گونه ای اریه دهند که عملکرد شناختی و یادگیری فراگیران بیش تر شده و از تأثیر تفاوت های فردی در یادگیری کاسته می شود. هوهن (۱۹۹۵)، در زمینه ی تأثیر سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی، پژوهشی انجام داده که از این پژوهش نتیجه گرفته است فراگیری که از نظر سبک های یادگیری مستقل از زمینه یا وابسته به زمینه اند، در فعالیت های تحصیلی با هم متفاوتند. به این صورت که فراگیران مستقل از زمینه کار انفرادی را ترجیح می دهند و در حل مسئله و انجام پروژه موفق ترند در صورتی که دانش آموزان وابسته به زمینه، کارگروهی را ترجیح می دهند. در نتیجه در یادگیری زبان انگلیسی که به حتم بصورت گروهی موفقیت آمیز تر است، موفق ترند. اهرمن و اکسفورد^۲ (۱۹۹۰)، در پژوهشی با ۸۹ نفر از زبان آموزان موسسه ی خدمات خارجی و با استفاده از مقیاس میرز - بریگز^۳ به بررسی رابطه ی سبک های یادگیری با انتخاب نوع راهبردهای یادگیری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که افراد برونگرا برخلاف افراد درونگرا پیوسته به راهبردهای اجتماعی متوسل می شوند. آن ها دریافتند که افراد نسبت به افراد درونگرا فراگیران موفق تری هستند.

صفری (۱۳۸۶)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین جنسیت دانشجویان و میانگین نمره های سبک یادگیری تفاوت وجود دارد. به این صورت که میانگین نمره های دانشجویان دختر در سبک های یادگیری فعالیت گرا ۴۳/۴، سبک یادگیری اندیشه گرا ۴۹/۳، سبک یادگیری نظریه پرداز ۷۱/۵، و سبک یادگیری عملگرا ۱۴/۵ بود. این میانگین نمره ها برای دانشجویان پسر به ترتیب در سبک یادگیری فعالیت گرا ۴۹/۴، سبک یادگیری اندیشه گرا ۴۵/۳، سبک یادگیری نظریه پرداز ۴۰/۵ و سبک یادگیری عملگرا ۲۵/۵ است. خاکسار بلداچی (۱۳۸۴)، در پژوهش خود که روی ۳۹۹ دانش آموز دختر و پسر مقطع متوسطه و پیش دانشگاهی آموزش و پرورش منطقه ی بلداچی انجام داد، به این نتیجه رسید که دانش آموزان رشته ی ریاضی - فیزیک بیش تر از روش یادگیری واگرا، دانش آموزان رشته علوم تجربی از روش یادگیری جذب کننده و دانش آموزان رشته ی علوم انسانی بیش تر از روش یادگیری انطباق یابنده استفاده می کنند. همایونی و عبداللهی (۱۳۸۲)، پژوهشی روی ۱۰۴ دانش آموز دختر سال اول دبیرستان انجام دادند، این پژوهشگران برای جمع آوری داده های مربوط به سبک های یادگیری از پرسشنامه ی

¹ -Kelly

² -Ahreman and oxford

³ -Myers - Biggs

سبک یادگیری کلب (LSI) استفاده کردند. نتیجه ی بدست آمده از این پژوهش نشان داد که بین سبک های شناختی، سبک های یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و موقعیت تحصیلی در درس ریاضی و زبان انگلیسی رابطه ی معنادار وجود دارد.

شمشادی (۱۳۸۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین توانش زبانی و کاربرد راهبردهای شناختی و فراشناختی همبستگی مثبت وجود دارد، اما تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان داد که جنسیت در بکارگیری راهبردهای یادگیری نقشی ندارد. الهی و همکاران (۱۳۸۱) با پژوهشی که روی ۱۲۷ دانش آموز دختر و پسر پایه های دوم راهنمایی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سبک یادگیری ناسته به زمینه با پیشرفت در یادگیری زبان انگلیسی رابطه دارد و بخش زیادی از واریانس یادگیری زبان انگلیسی را تبیین می کند. آن ها همچنین به این نتیجه رسیدند که بین سبک های یادگیری دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد. رضوی، عبدالمجید و شیری (۱۳۸۴)، در پژوهش خود که بر ۶۰۲ دانش آموز دختر و پسر انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سبک تفکر کلی دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی و سن رابطه ای معنادار ندارد، اما با جنسیت رابطه ای معنا دار داشت. نمره های سبک تفکر دختران بیش از نمره های پسران بود ($p = 0/029$). همچنین آن ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دانش آموزان پسر دارای گرایش آزادی خواهانه، پیشرفت تحصیلی بیشتری داشته اند ($r = 0/226$ ، $p < 0/000$).

با توجه به مطالعات نظری و پژوهش های تجربی یاد شده، هدف این پژوهش بررسی رابطه ی سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره ی متوسطه بود، بر این اساس فرضیه های زیر مطرح شده است:

- ۱- بین سبک های یادگیری گوناگون (اندیشه گرا، عمل گرا، فعالیت گرا، نظریه پرداز) و پیشرفت تحصیلی آن ها در درس زبان انگلیسی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۲- بین سبک های یادگیری گوناگون (اندیشه گرا، عمل گرا، فعالیت گرا، نظریه پرداز) دانش آموزان رشته های گوناگون تحصیلی ارتباط معنادار وجود دارد.
- ۳- بین سبک های یادگیری دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۴- بین سبک های یادگیری دانش آموزان پایه های گوناگون مقطع متوسطه تفاوت معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و نیز همبستگی بوده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی دانش آموزان دختر و پسر پایه های اول، دوم و سوم دوره ی متوسطه در رشته های ریاضی و فیزیک، تجربی و علوم انسانی شهر شیراز است که تعداد آن ها حدود ۲۷۰۰۰ نفر و در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در مدارس این شهر مشغول به تحصیل بوده اند که نمونه شامل ۳۹۲ نفر از دانش آموزان یاد شده بود که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین جامعه ی آماری و بر اساس جدول مورگان انتخاب شد.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل دو ابزار بود:

الف) پرسشنامه ی سبک یادگیری هانی و مامفورت: پرسشنامه ی یاد شده، نخستین بار به وسیله ی کلب طراحی و مورد استفاده قرار گرفت. سپس در سال ۱۹۸۶ پیتر هانی و آلن مامفورت با تصحیح این پرسشنامه، آن را مورد استفاده قرار دادند و در سال ۱۹۹۲ با تغییر سبک های یادگیری، پرسشنامه نیز تغییر دادند و از نظر اعتبار در جامعه ی آمریکا استاندارد کردند.

ب) آزمون پیشرفت تحصیلی: جهت اندازه گیری پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در این پژوهش از نمره های زبان انگلیسی دانش آموزان در ترم دی ماه ۸۸-۸۷ استفاده شده است. برای این منظور، با مراجعه به کارنامه ی دانش آموزان و ثبت میانگین نمره ها، به جمع آوری داده ها اقدام شد.

روایی و پایایی ابزار

پرسشنامه ی سبک های یادگیری، ابزاری استاندارد است که به وسیله ی هانی و مامفورت (۱۹۹۲) برای اندازه گیری سبک های یادگیری دانش آموزان اعتبار یابی شده است و بارها در پژوهش های خارجی مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش های داخلی نیز صفری (۱۳۸۴)، پرسشنامه ی یاد شده را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد. ابزار پرسشنامه ی سبک های یادگیری هانی و مامفورت (۱۹۹۲) یک پرسشنامه ی استاندارد است که در پژوهش های خارجی مورد استفاده قرار گرفته و دارای روایی سطح بالایی است.

صفری (۱۳۸۴) پرسشنامه ی یاد شده را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و ضمن اعتباریابی، در جامعه ی آماری پژوهش، مورد استفاده قرار داد و روایی پرسشنامه ی یاد شده را از راه محاسبه ی روایی ملاکی بدست آورد. به این صورت که این پرسشنامه را با پرسشنامه ی استاندارد منصوب به کلب، همزمان به ۵۰ نفر از جامعه ی آماری داده شد و با استفاده از ضریب همبستگی

پیرسون، مورد تحلیل قرار گرفت که ضریب همبستگی بدست آمده بین دو پرسشنامه معادل $0/88$ بود ($r = 0/88$).

در این پژوهش نیز برای تعیین روایی پرسشنامه ی یاد شده از روایی محتوایی استفاده شده است. به این صورت که پژوهشگر پرسشنامه را تکثیر کرد و همزمان به ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه شیراز و متخصصان تعلیم و تربیت داده شد. سپس نظرات جمع آوری و در تمام نظرات توافق لازم انجام گرفت.

روش های آماری

این پژوهش به صورت گروهی در هر کلاس اجرا شد، بدین صورت که در مدارس مورد نظر کلاس های گوناگون از نظر پایه و رشته ی تحصیلی انتخاب شدند و پرسش ها به صورت پرسشنامه در اختیار دانش آموزان قرار گرفت. ضمن بیان هدف پژوهش توضیحات لازم در زمینه ی چگونگی پاسخگویی به پرسش ها به دانش آموزان ارائه شد. روش های آماری مورد استفاده برای هر یک از فرضیه های پژوهش به شرح زیر است: آمار توصیفی میانگین، انحراف معیار، آمار استنباطی، رگرسیون چند متغیره، تحلیل واریانس یک راهه و آزمون t مستقل.

یافته های پژوهش

در این پژوهش فرضیه ی نخست به بررسی رابطه ی بین سبک های یادگیری گوناگون (اندیشه گرا، عمل گرا، فعالیت گرا، نظریه پرداز) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخته است که بر اساس جدول ۱ برای بررسی این فرضیه از رگرسیون چند متغیره استفاده شد که در ابتدا بمنظور تعیین این که دست کم یکی از متغیرهای پیش بین (سبک های یادگیری) متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی) را می توانند پیش بینی کنند، از تحلیل واریانس استفاده شده است که نتیجه ی آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱- ویژگی های آماری رگرسیون

سطح معناداری	Df2	Df1	F	R	R
۰/۳۰	۳۸۷	۴	۱/۱۵	۰/۰۱	۰/۱۰

همان گونه که مشاهده می شود، مقدار F برابر $1/15$ گردیده که این مقدار با درجات آزادی $(4/387)$ در سطح $0/30$ معنادار شده و چون سطح قابل قبول معناداری کم تر از $0/05$ است، بنابراین نتیجه می گیریم که متغیرهای پیش بین (سبک های یادگیری) نمی توانند متغیر ملاک

(پیشرفت تحصیلی) را پیش بینی کنند، به بیان دیگر، بین سبک های یادگیری گوناگون و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه ی معنادار وجود ندارد و فرضیه ی پژوهشگر رد می شود. فرضیه ی دوم: بین سبک های یادگیری (اندیشه گرا، عمل گرا، فعالیت گرا، نظریه پرداز) دانش آموزان رشته های گوناگون تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۲- تفاوت بین میزان سبک فعالیت گرای دانش آموزان رشته های گوناگون

تحصیلی						
متغیر	منابع تغییر	مجموع	درجه	میانگین	F	سطح معناداری
		مجذورات	آزادی	مجذورات		
سبک فعالیت گرا	بین گروهی	۲۲/۲۶	۲	۱۱/۱۳	۴/۰۰۸	۰/۰۲
	درون گروهی	۴۸۶/۱۲	۱۷۵	۲/۷۷		
	کل	۵۰۸/۳۸	۱۷۷			

همان گونه که مشاهده می شود، مقدار F برابر ۴/۰۰۸ گردیده که این مقدار با درجات آزادی (۲/۱۷۵) در سطح ۰/۰۲ معنادار شده و از آن جا که سطح قابل قبول معناداری کم تر یا مساوی (۰/۰۵) است، بنابراین نتیجه می گیریم که بین میزان سبک یادگیری فعالیت گرای دانش آموزان رشته های گوناگون تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد.

برای تعیین این که میزان سبک فعالیت گرا در بین کدام یک از گروهها با هم تفاوت معنادار دارند، از آزمون تعقیبی نیومن کلز استفاده شده که نتیجه ی آن در جدول های زیر آمده است.

جدول ۳- تعیین تفاوت بین میزان سبک فعالیت گرا دانش آموزان رشته های گوناگون

تحصیلی			
رشته ی تحصیلی	تعداد	گروه ۱	گروه ۲
علوم انسانی	۵۷	۱۳/۰۱	-----
علوم تجربی	۷۴	۱۳/۱۲	-----
ریاضی فیزیک	۴۷	-----	۱۳/۸

همان گونه که مشاهده می شود، میزان سبک فعالیت گرای رشته های علوم انسانی و علوم تجربی با هم تفاوتی معنادار ندارند، ولی میزان سبک فعالیت گرای رشته ی ریاضی فیزیک با میزان سبک فعالیت گرای رشته ی علوم انسانی و علوم تجربی تفاوت معنادار دارد و همان گونه که

مشاهده می شود، میزان این سبک در رشته ی ریاضی فیزیک بیش از رشته های علوم انسانی و علوم تجربی است .

فرضیه ی سوم پژوهش: بین سبک های یادگیری دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده شد که نتیجه ی آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۴ - تفاوت بین سبک های یادگیری دانش آموزان دختر و پسر

متغیرها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه ی آزادی	سطح معناداری
فعالیت گرا	دختر	۲۴۳	۱۳/۲۸	۲/۴۲	-۰/۲۹	۳۹۰	۰/۷۶
	پسر	۱۴۹	۱۳/۳۵	۱/۷۵			
اندیشه گرا	دختر	۲۴۳	۱۲/۱۳	۱/۵۸	-۲/۴۰	۳۹۰	۰/۰۱
	پسر	۱۴۹	۱۲/۵۵	۱/۷۷			
عملگرا	دختر	۲۴۳	۱۳/۴۸	۱/۷۵	-۰/۹۸	۳۹۰	۰/۳۲
	پسر	۱۴۹	۱۳/۶۶	۱/۸۵			
نظریه پرداز	دختر	۲۴۳	۱۲/۹۲	۱/۹۶	-۲/۸۹	۳۹۰	۰/۰۰۴
	پسر	۱۴۹	۱۳/۶۱	۲/۷۴			

همان گونه که مشاهده می شود، مقدار سطح معناداری سبک های اندیشه گرا و نظریه پرداز کم تر از سطح قابل قبول (۰/۰۵) نشده است، بنابراین نتیجه می گیریم که بین دختران و پسران در سبک های یادگیری اندیشه گرا و نظریه پرداز تفاوت معنادار وجود دارد و همان گونه که مشاهده می شود، دانش آموزان پسر در این دو سبک از دانش آموزان دختر قوی ترند، اما در دو سبک دیگر تفاوتی معنادار بین دختران و پسران وجود ندارد.

فرضیه ی چهارم پژوهش: بین سبک های یادگیری دانش آموزان پایه ی گوناگون تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده گردید که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۵ - تفاوت بین میزان سبک فعالیت گرای دانش آموزان پایه های گوناگون تحصیلی

متغیر	منابع تغییر	مجموع	درجه	میانگین	F	سطح معناداری
	مجدورات	آزادی	مجدورات	مجدورات	معناداری	
سبک	بین گروهی	۱۷/۰۷۹	۲	۸/۵۴	۱/۷۸	۰/۱۶
فعالیت گرا	درون گروهی	۱۸۵۹/۳۲۶	۳۸۹	۴/۷۸		
	کل	۱۸۷۶/۴۰۶	۳۹۱			

همان گونه که مشاهده می شود، مقدار F برابر ۱/۷۸ گردیده که این مقدار با درجات آزادی (۲/۳۸۹) در سطح ۰/۱۶ معنادار گردیده و از آن جا که سطح قابل قبول معناداری کم تر یا مساوی (۰/۰۵) است، بنابراین نتیجه می گیریم که بین میزان سبک یادگیری فعالیت گرای دانش آموزان پایه های گوناگون تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف اصلی بررسی رابطه ی سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی انجام گرفت. نتایج نشان می دهد که متغیرهای پیش بین (سبک های یادگیری) نمی توانند متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی) را پیش بینی کنند. به بیان دیگر، بین سبک های یادگیری گوناگون و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه ی معنا دار وجود ندارد. یافته های بدست آمده از این پژوهش با یافته های رضوی (۱۳۸۴) شباهت دارد، بنابراین می توان بیان کرد با توجه به این که توجه به پیشرفت تحصیلی، توجه به انتظارات برنامه ی درسی می باشد، در برنامه درسی عامل های بسیاری دخالت دارند که از جمله می توان به روش تدریس معلمان، روش هایی که دانش آموزان را به یادگیری بهتر می رساند، اشاره کرد. معلمان می توانند از با کاربرد روش های تدریس نوین، با سبک های یادگیری فراگیران بهتر آشنا شوند و آن ها را به دانش آموزان آموزش دهند. آموزش سبک های یادگیری به دانش آموزان می تواند راهی بسوی پیشرفت تحصیلی آن ها باشد.

نتایج نشان داد که بین سبک های یادگیری (اندیشه گرا، فعالیت گرا، عمل گرا، نظریه پرداز) دانش آموزان رشته های گوناگون تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. برای تعیین این که میزان سبک فعالیت گرا در بین کدام یک از گروهها با هم تفاوت معنادار دارند، از آزمون تعقیبی نیومن کلز استفاده شده و همان گونه که مشاهده می شود، میزان سبک فعالیت گرای رشته های علوم انسانی و علوم تجربی با هم تفاوتی معنادار ندارند، ولی میزان سبک فعالیت گرای رشته ی ریاضی فیزیک با میزان سبک فعالیت گرای رشته ی علوم انسانی و علوم تجربی تفاوت معنادار دارد و

همان گونه که مشاهده می شود، میزان این سبک در رشته ی ریاضی فیزیک بیش از رشته های علوم انسانی و علوم تجربی است، بنابراین نتیجه می گیریم که بین میزان سبک یادگیری اندیشه گرای دانش آموزان رشته های گوناگون تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های حسینی نسب (۱۳۸۵)، حسینی لرگانی (۱۳۸۰)، خاکسار (۱۳۸۴)، دی و همکاران (۲۰۰۰) همسویی دارد. می توان بیان داشت که دلایل نا همسویی این پژوهش با سایر پژوهش ها این باشد که پژوهش های پیشین بیش تر در رشته های دانشگاهی و مقاطع دیگر و این پژوهش در دوره ی متوسطه انجام شده است. ویژگی های دانش آموزان دوره ی متوسطه از بسیاری جهت ها با ویژگی های دانشجویان متفاوت است. ممکن است دانشجویانی که در دانشگاهها مشغول به تحصیل هستند، در برخورد با پژوهشگران جدی تر عمل کنند در صورتی که دانش آموزان نوجوان در دوره ی متوسطه هنوز به این جدیت نرسیده اند و در پاسخگویی به پرسشنامه دقت کافی به خرج ندهند.

نتایج نشان می دهد که تفاوتی معنادار بین دختران و پسران در سبک های یادگیری وجود ندارد. نتایج این پژوهش ها با نتایج پژوهش های حسینی لرگانی (۱۳۸۰)، الهی (۱۳۸۱)، صفری (۱۳۸۴)، هیکسون و بالتیمور (۱۹۹۶)، نایت و همکاران (۱۹۹۷) و شمس اسفندآباد و همکاران (۱۳۸۳) همسویی ندارد. با توجه به این نکته که تسلط فراگیران به راهبردهای یادگیری باعث می شود تا کنترل و مسئولیت پذیری بیش تری داشته باشند، می توان در تبیین این فرضیه بیان داشت که امروزه پسران و دختران در دوره ی متوسطه از مسئولیتی کم تر نسبت به گذشته و نسبت به جوامع دیگر برخوردارند. افزون بر این خلاقیت که از ابزارهای یک نظام آموزش و پرورش و از ویژگی های مهم فراگیران است کم تر مورد توجه مسئولان در مناطق گوناگون قرار می گیرد.

نتایج نشان می دهد که تفاوت معناداری بین دانش آموزان پایه های اول، دوم و سوم در سبک های یادگیری فعالیت گرا و نظریه پرداز وجود دارد و همان گونه که مشاهده می شود دانش آموزان پایه ی دوم در این دو سبک از دانش آموزان پایه ی سوم قوی ترند، اما در دو سبک دیگر تفاوتی معنادار بین پایه ی اول، دوم و سوم وجود ندارد. نتایج این پژوهش ها با نتایج پژوهش های دی و همکاران (۲۰۰)، همایونی و عبدالهی (۱۳۸۲) همسویی ندارد. برنامه ی درسی ناظر بر تجربه های آموزشی دانش آموزان است و شامل ارزش ها، هدف ها، مواد آموزشی، راهبردهای تدریس و تجربه های دانش آموزان است. در تبیین این فرضیه می توان به این نکته نیز اشاره کرد که به دلیل فراموش شدن بسیاری از ارزش های والای جامعه به وسیله ی نوجوانان و جوانان، تفاوت زیادی در ارزش ها و هدف های دانش آموزان پایه های گوناگون دوره ی متوسطه به چشم

نمی خورد و تقریباً در این سنین بیش تر آن ها به شدت تحت تاثیر محیط قرار می گیرند و این تاثیر پذیری و تفاوت در نگرش ها در مقاطع بالاتر بیش تر به چشم می خورد. همچنین راهبردهای تدریس معلمان که در پایه های گوناگون تحصیلی دوره ی متوسطه بکار می برند، تقریباً یکسان است و تجربیات علمی دانش آموزان به دلیل یکنواخت بودن امکانات و محیط های مانند آزمایشگاهها و کارگاهها در مدارس، دلایلی دیگر برای نا همسو بودن این پژوهش با سایر پژوهش هاست.

معلمان با شناخت سبک های دانش آموزان می توانند سبک تدریس خود را تنظیم نمایند. باتوجه به یافته های پژوهش نکات زیر پیشنهاد می شود:

- معلمان سبک های یادگیری دانش آموزان خود را شناسایی و بر اساس سبک های ترجیحی فراگیران سبک تدریس خود را تنظیم نمایند.

- با توجه به اهمیت سبک های یادگیری در فرآیند یاددهی - یادگیری، کارگاه آموزشی جهت آشنایی معلمان با سبک های گوناگون یادگیری فراگیران راه اندازی شود.

- معلمان، فضای کلاس را به گونه ای سازماندهی نمایند که موجب کنش متقابل شود. فضا باید طوری طراحی شود که موجب تسهیل یادگیری شود زیرا در این صورت تعامل بین دانش آموزان با هم و با معلم بیش تر خواهد شد و با ویژگی های یکدیگر که از جمله سبک های یادگیری آن هاست بیش تر آشنا می شوند.

- با توجه به نتیجه ی این پژوهش، پیشنهاد می شود معلمان از روش سنتی کم تر استفاده نمایند و بیش تر از روش های نوین تدریس که در آن سبک های یادگیری دانش آموزان لحاظ می گردد، استفاده کنند.

منابع

- الهی، طاهره (۱۳۸۱). رابطه سبک های یادگیری وابسته به زمینه و نایسته به زمینه و پیشرفت در یادگیری زبان انگلیسی. مجله روانشناسی شماره ۲۹.
- حسینی لرگانی، مریم و سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). مقایسه سبکهای یادگیری دانشجویان با توجه به جنسیت، مقاطع تحصیلی و رشته تحصیلی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۹.
- حسینی نسب، سید داود، روئین، حسین و سلطان القزایی، خلیل (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک های شناختی (شیوه های یادگیری) با عوامل شخصیتی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز. فصلنامه علمی - پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز سال اول شماره ۳ و ۲.
- خاکسار بلداجی، محمد علی (۱۳۸۴). رابطه سبکهای یادگیری خودکار آموختاری و رشته تحصیلی در دانش آموزان متوسط. فصلنامه نوآوری های آموزش، شماره ۱۴.

خنک جان، علی (۱۳۸۵). بررسی سبک های شناختی یادگیری دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز .

رضوی، عبدالحمید و شیرینی ، احمد علی (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی رابطه بین سبک های تفکر دختران و پسران دبیرستانی با پیشرفت تحصیلی آنان .نشریه نوآوری های آموزشی .
سیف، علی اکبر (۱۳۸۴) . روانشناسی تربیتی ، تهران، انتشارات سمت .
شمشادی، آریتا (۱۳۸۱) . رابطه سبکهای مختلف یادگیری با راهبردهای یادگیری فراگیران زبان انگلیسی. ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور ۱۳۸۱ .

صفری، یحیی (۱۳۸۳) . بررسی سبک های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. پروژه تحقیقاتی مصوب دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. مقاله همایش سراسری پژوهشدر آموزش پرستاری، مامایی و پیراپزشکی ۲۶ و ۲۷ تیر ماه (۱۳۸۶). دانشکده پرستاری، مامایی.
کامکار، علی، تیارطوری، مهدی اکبر و فرارویی، (۱۳۸۰). بررسی وضعیت هوش و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پایه پنجم ابتدائی شهر یاسوج. فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج.

لیونور، دروبل (۱۳۷۵) . کاربرد روان شناسی در تدریس. ترجمه محمد پارسا. انتشارات بعثت .
واکینز، کریس و همکاران (۱۳۸۴) . چگونه یاد بگیریم. ترجمه یحیی صفری انتشارات طاق بستان.
همایونی، علیرضا و عبداللهی، محمد حسین (۱۳۸۲) . بررسی رابطه بین سبک های یادگیری و سبکهای شناختی و نقش آن در موقعیت تحصیلی دانش آموزان . مجله روان شناسی ۲۶ ،

Daley .C.E ; Wuegbuzie ,A.J ,and Baily .P. (1997) . predictiong achievement in college –level foreign language courses .

Dee kay C.Nauman Eric. Livesay Glen A.and Rice, Janet (2002) .learning styles of Biomedical Engineering studens. Annals of Biomedical Engineering .Vol . 30, pp . 1100 – 1106, 2002.

Ehrman M.and oxford R."Adult language leaving styles and strategies in an Intensive Training setting ." Modern language journal, Vol .74, No. 3.

Hikson .J and Baltimor, M. (1996) .Gender, related learning styles patterns of middle school pupils. school psy. International.

Hohan, R.L (1995). Classroom learning and teaching. U.S.A, Longman.

Kelly, C. (1997) .The theory of Expriential learning and Esl, The Internet TESL Jounal 111.9 .

Knight, K. H Elfenbein, M.H.and Martin, M.B. (1997). A psychometric reexamination of kolb's experientionl styles construct: A separation of level, style, and process.

Kolb, D.A (1984). Experimental learning. Experience as source of learning and Development. printice. Hall, Inc. Englewood cliffs,